

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تولد اسرائیل

دکتر صادق زیباکلام (استاد دانشگاه تهران)



۱۳۹۱

زیباکلام، صادق، ۱۳۲۷ -	سرشناسه:
تولد اسرائیل / صادق زیباکلام.	عنوان و پدیدآور:
تهران: روزنه، ۱۳۹۰.	مشخصات نشر:
۴۲۶ ص.: مصور، جدول.	مشخصات ظاهری:
ISBN 978-964-334-401-6	شابک:
فیبا	وضعیت فهرست نویسی:
یهودیت -- تاریخ	موضوع:
اسرائیل -- تاریخ	موضوع:
DS ۱۰۹/۹/۹ ت ۹ ۱۳۹۰	رده بندی کنگره:
۹۵۶/۹۴۴۲	رده بندی دیویی:
۲۶۸۰۱۷۷	شماره کتابشناسی ملی:



تولد اسرائیل

- دکتر صادق زیباکلام
- حروف چینی: استلا اورشان
- طرح جلد: سیدصدرالدین بهشتی شیرازی
- چاپ اول: ۱۳۹۱
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- چاپ و صحافی: شادرنگ
- آدرس: خیابان توحید، نبش پرچم، پلاک ۲، طبقه ۴
- تلفن: ۶۶۵۶۷۹۲۵ - ۶۶۴۳۰۵۰۳، فاکس: ۶۶۵۶۷۹۲۶
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۴۰۱-۶ ISBN 978-964-334-401-6

تقدیم به نلسون ماندلا
که همهٔ مخالفین و دشمنانش را پس از پیروزی بخشید

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه	تولد اسرائیل ۱۵
فصل اول	نظریه‌های رایج در ایران پیرامون علل به وجود آمدن اسرائیل ۱۸۱
	دشواری‌های به کارگیری رویکرد واقع‌گرایانه در تبیین به‌وجود آمدن اسرائیل ۱۹۱
	تنگناهای تاریخ‌نگاری یهودیت..... ۲۰۱
	خلاصه فصل اول ۲۱۵
فصل دوم	سرزمین فلسطین..... ۲۲۱
	خلاصه فصل دوم ۲۲۹
فصل سوم	ظهور حضرت ابراهیم و شکل‌گیری یهودیت..... ۲۳۳
	تولد دین یهود و یهودیت..... ۲۳۷
	تبعات بلندمدت جامعه‌شناختی خدای نادیده ۲۵۲
	مهاجرت یهودی‌ها به مصر و خروج‌شان از مصر به زعامت حضرت موسی (ع) ۱۲۰۰ ق.م..... ۲۵۷
	خلاصه فصل سوم..... ۲۶۹

فصل چهارم	تشکیل نخستین کشور یهود ۱۲۰۰ ق.م.....	۲۷۳
	حکومت داوران ۱۰۰۰ - ۱۲۰۰ ق.م.....	۲۷۸
	پادشاهی حضرت داود پیامبر (ع) ۹۶۰ - ۱۰۰۰ ق.م.....	۲۸۲
	پادشاهی حضرت سلیمان (ع) ۹۳۱ - ۹۷۰ ق.م.....	۲۸۹
	تجزیه کشور یهود به دو بخش شمالی و جنوبی ۸۰۰ - ۹۰۰ ق.م.....	۲۹۲
	خلاصه فصل چهارم.....	۲۹۷

فصل پنجم	پایان دو کشور یهود: اسرائیل و یهودیه.....	۳۰۱
	آمدن آشوری‌ها، اضمحلال کشور اسرائیل و تبعید یهودی‌های ساکن اسرائیل به بین‌النهرین ۷۲۲ ق.م.....	۳۰۲
	سقوط اسرائیل و تبعات آن در یهودیه.....	۳۰۶
	آمدن بابلی‌ها، اضمحلال کشور یهودیه و تبعید یهودی‌ها به بین‌النهرین ۵۸۶ ق.م.....	۳۰۹
	خلاصه فصل پنجم.....	۳۱۷

فصل ششم	از اضمحلال اول کشور یهود تا شکل‌گیری دوم کشور یهود.....	۳۲۱
	یهودهای در تبعید.....	۳۲۳
	آمدن ایرانیان و بازگشت نخستین یهودی‌های تبعیدی از بابل.....	۳۲۷
	آمدن یونانی‌ها و حاکمیت یونان بر فلسطین ۱۴۲ - ۳۳۲ ق.م.....	۳۳۱
	قیام مکابی‌ها و تشکیل کشور دوم یهود ۱۴۳ ق.م.....	۳۳۶
	بروز مناقشات مذهبی میان یهودی‌ها در دور دوم حاکمیت‌شان بر فلسطین و تبعات آن بر سقوط کشور دوم یهود.....	۳۴۴
	خلاصه فصل ششم.....	۳۴۹

فصل هفتم	از شکل‌گیری کشور دوم یهود تا اضمحلال آن به دست رومی‌ها.....	۳۵۷
	خلاصه فصل هفتم.....	۳۶۵

فصل هشتم	از آمدن رومی ها تا تبعید یهودی ها به اروپا	۳۶۹
	دلایل برخورد یهودی ها با روم	۳۷۸
	اولین قیام یهودی ها علیه رومی ها	۳۸۶
	دور دوم طغیان یهودی ها علیه حاکمیت روم	۳۹۳ - ۱۳۱ میلادی
	دور سوم طغیان یهودی ها علیه حاکمیت روم	۳۹۸ - ۱۳۵ - ۱۳۱
	تبعات بلندمدت جنگ در سال های ۱۳۵ - ۱۳۱ میلادی	۴۰۱
	خلاصه فصل هشتم	۴۱۴

پیشگفتار

در اول کلمه بود
و کلمه خدا بود
(کتاب مقدس)

بگذارید از اینجا شروع کنم که نوشتن این کتاب سرنوشت طولانی و پیچیده‌ای داشت. من هم مثل بسیاری از ایرانیان هم‌نسل‌ام به شدت به مناقشه اعراب و اسرائیل علاقمند بودم و همانند بسیاری از آنان طرفدار فلسطینی‌ها بودم. همانند سایر ایرانی‌های هم‌نسل‌ام من هم تصور می‌کردم که اسرائیلی‌ها مردمانی متجاوز، زورگو، ظالم، غاصب و بی‌رحم هستند که به کمک استعمار انگلستان، شبکه مرموز و مخوف صهیونیستی و بالاخره حمایت امپریالیزم آمریکا (یا به تعبیر امروزه استکبار جهانی) سرزمین فلسطین را تصاحب کرده‌اند. و در جریان اشغال آن سرزمین، فلسطینی‌های مسلمان و مظلوم را در به‌در و آواره کرده‌اند. در سال‌هایی که در دوران جوانی در انگلستان تحصیل می‌کردم، در اطاقم عکس‌هایی از جمال عبدالناصر رهبر مصر، یاسر عرفات و لیلا خالد حکایت از گرایش سیاسی‌ام می‌کرد. تصویر دیگری صورت به غایت معصوم و مظلوم یک دختر بچه فلسطینی را در یکی از اردوگاه‌های فلسطینی به نمایش گذارده بود. شماری از بهترین و نزدیکترین دوستان دوران دانشجویی‌ام دانشجویان عرب بالاخص فلسطینی‌ها بودند. زمانی که برای نخستین بار به انگلستان وارد شدم درست مصادف با جنگ شش روزه ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) میان اعراب و اسرائیل شده بود. آنقدر به موضوع و تحولات آن جنگ علاقمند بودم که با مختصر انگلیسی که در دوران دبیرستان یاد گرفته بودم صبح‌ها یک روزنامه گاردین می‌خریدم و به کمک یک دیکشنری انگلیسی به فارسی «حییم» که با خودم از ایران آورده بودم تا پاسی از شب می‌نشستم و سعی می‌کردم گزارشات و اخبار مربوط به جنگ میان اعراب و اسرائیل را بفهمم. شدت علاقه و کنجکاوی‌ام به حدی بود که بسیاری از جملات و پاراگراف‌ها را که نمی‌فهمیدم ناامید نشده و از

انگلیسی‌ها و هر کس دیگری که از من بیشتر انگلیسی می‌دانست می‌پرسیدم. در دوران دانشجویی همیشه با اعراب و بالاحص فلسطینی‌ها دوست و نزدیک می‌شدم و علی‌الدوام در مورد تحولات خاورمیانه و مسایل فلسطینی‌ها با آنها گفتگو می‌کردم. کمتر روزی اتفاق می‌افتاد که در مورد تحولات جهان عرب بالاحص مناقشه اعراب و اسرائیل اتفاقی بیفتد و من آن را در روزنامه‌های انگلستان مطالعه نکنم. به همان میزان که با اعراب و فلسطینی‌ها سری صوا داشتم، هرزگاهی که با یک اسرائیلی یا یهودی مواجه می‌شدم گارد می‌گرفتم و با بحث و جدل سعی می‌کردم به آنها نشان بدهم که آنها غاصب، زورگو و عامل آوارگی و بی‌خانمانی دو میلیون فلسطینی هستند. روزی که خبر درگذشت جمال عبدالناصر را شنیدم یکی از بدترین روزهای زندگیم تا آن موقع بود. در همان سال‌ها به فکر ترجمه تراژدی فلسطینی‌ها افتادم. در آن زمان‌ها یکی از معتبرترین و سرشناس‌ترین نویسندگان غربی برای نسل ما **ماکسیم رودینسون**^(۱) یکی از مورخین و صاحب‌نظران معروف فرانسوی بود. کتاب «اعراب و اسرائیل» او را که شهرت زیادی داشت شروع به ترجمه به فارسی نمودم. بخش‌هایی از آن را به فارسی ترجمه کردم که در حد یک دفترچه ۲۰۰ برگ می‌شد. بدون آنکه متوجه شوم، مطالعه آن کتاب برای نخستین بار مرا متوجه ساخت که اسباب و علل به وجود آمدن اسرائیل خیلی پیچیده‌تر از تصویر و تصورات ساده‌ای بود که از دوران نوجوانی در ذهن من شکل گرفته بودند. بالاحص متوجه شدم که تحولات اروپای قرن نوزدهم نقش زیادی در به وجود آمدن اسرائیل پیدا می‌کند. از استثنا ماکسیم رودینسون که بگذریم، دانش من در مورد مناقشه اعراب و اسرائیل عمدتاً خلاصه می‌شد در مطالب و معلومات روز، پیرامون تحولات خاورمیانه. و همانطور که اشاره داشتم کمتر روزی ممکن بود به انتها برسد که در مناقشه اعراب و اسرائیل و یا در ارتباط با فلسطینی‌ها تحولی مهم اتفاق افتاده باشد و من از آن علم و آگاهی پیدا نمی‌کردم.

این تاریخچه آشنایی من با موضوع این کتاب تا کم و بیش سال ۱۳۷۲ بود. در آن سال اتفاقی افتاد که در حقیقت بدل به نقطه عطفی در رابطه من با موضوع مناقشه

اعراب و اسرائیل گردید. در آن مقطع من تازه از انگلستان به ایران بازگشته بودم و با دشواری و مصیبت می‌خواستم وارد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران شوم. جایی که اعضای آن با ورودم مخالفت می‌کردند و من را پشت در گروه یکی، دو سال نگه داشته بودند. در آن ماه‌های سرگردانی متوجه شدم که یکی از درس‌های رشته علوم سیاسی یک درس ۲ واحدی اختیاری است به نام «اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین». از بخت خوش من این درس متولی نداشت و کسی آن را تدریس نمی‌کرد. من هم داوطلب تدریس آن شدم. از آنجا که درس «صاحبی» نداشت به‌علاوه اختیاری هم بود، گروه علوم سیاسی موافقت نمود و من برای نخستین بار در بهمن سال ۱۳۷۲ و برای ترم دوم این درس را ارائه دادم. روزی که برای نخستین بار سر کلاس برای تدریس رفتم را هرگز فراموش نمی‌کنم. در یکی از کوچکترین کلاس‌های دانشکده در حدود ۱۰ نفر بیشتر نیامده بودند. نذر کردم که آموزش دانشکده درس را به دلیل کم بودن تعداد دانشجویان حذف نکند و خداوند درخواستم را اجابت کرد. ظاهراً شماری از دانشجویان آن ترم فارغ‌التحصیل می‌شدند و لذا آموزش برای آنکه مشکلی برایشان پیش نیاید علیرغم ظرفیت کم کلاس درس را حذف نکرد.

وقتی سرفصل درس اعراب و اسرائیل را که مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی بود نگاه کردم بی‌اختیار به یاد بیست و اندی سال پیش دوران دانشجویی‌ام افتادم. عناوین یا سرفصل درس همان مطالبی بودند که همواره از رسانه‌های دولتی می‌شنویم و با آن آشنا هستیم. آشنایی با صهیونیسم و برنامه‌ها و دسیسه‌های آن در به وجود آوردن اسرائیل؛ نقش استعمار انگلستان در تشکیل کشور یهود؛ حمایت لابی صهیونیست‌ها و یهودی‌ها در آمریکا از اسرائیل؛ و... همان مطالب تکراری همیشگی. آن سرفصل‌ها را کنار گذاردم و کارم را با بخش‌هایی از کتاب ماکسیم رودینسون که سال‌ها پیش خوانده بودم شروع کردم. نگران از اینکه بتوانم توجه دانشجویان را جلب نمایم و بهانه به دست گروه ندهم، برای آن دو واحد اختیاری خیلی مطالعه کردم. درعین حال چون مطالب خیلی ارتباطی با مطالبی که در ایران گفته می‌شود نداشت نگران بودم که مبادا دانشجویان متعرض تحلیل‌ها و مطالبم بشوند.

لذا برای هر جلسه کلاس کلی مطلب مطالعه می‌کردم. دقت و وسواس زیادی داشتم که آن اولین کلاس در دانشکده حقوق سوء شهرت به بی‌سوادی برایم به بار نیآورد. چندین برابر مطالبی که می‌خواستم سرکلاس بگویم مطالعه می‌کردم. در آن قریب به سه ماهی که ترم دایر بود چندین برابر دانشجویان خودم یاد گرفتم. بخت با من باز یار بود و چند تن از دانشجویان آن کلاس در میان دانشجویان دانشکده شهرتی مبنی بر برخورداری از سواد داشتند و نظر آنها در مورد آن کلاس سرنوشت‌ساز بود. حضرت حق گره‌گشا شد و تصدیق و تأیید آنها از آن مقداری هم که فکر می‌کردم بیشتر شد. حاصل آن شد که ترم بعد ۳۰، ۲۰ نفر آن واحد را گرفتند و افتادم بر روی غلطک. به تدریج که پیش می‌رفتیم مطالبم با روایت رسمی از مناقشه اعراب و اسرائیل بیشتر و بیشتر زاویه پیدا می‌کرد. همواره این ترس را داشتم که عنقریب احضار شوم و مشکلی پیش بیاید. اما شاید یکی، دو مسئله باعث می‌شدند که مشکلی پیش نیاید. نخست دقت و وسواسم بود که آنچه می‌گویم از نظر تاریخی موجه و یک پایه و اساسی داشته باشد. به جای نگاه ایدئولوژیک و سیاسی به موضوع، مطالبم بیشتر مبتنی بر تاریخ و تحلیل تاریخی بود. بنابراین اگر با روایت رسمی دولتی در تعارض قرار می‌گرفتند (که می‌گرفتند) استدلالم آن بود که مطالبم تاریخی و مستند هستند. بنابراین اگرچه برخی از دانشجویان با مطالبم مشکل پیدا می‌کردند، اما حتی آنان نیز اذعان می‌داشتند که مطالبم سیاسی و من درآوردی نبودند. به هر حال برای آنان دشوار بود که تاریخ را منکر شوند. دلیل دوم آن بود که چند سالی بعد از شروع آن درس داستان دوم خرداد پیش آمد و آنقدر سمن روئید که دیگر یاسمن در میان آن گم شد. تا رسیدیم به موضوع نوشتن کتاب.

در ابتدا هدفم آن بود که کتاب از ابتدای پیدایش یهودیت آغاز و تا تشکیل کشور اسرائیل یا تولد اسرائیل در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) ادامه پیدا کند. تاریخ دقیقی بر روی آغاز نگارش کتاب نمی‌توانم بگذارم. چرا که مناقشه اعراب و اسرائیل از قریب به ۴۵ سال پیش بخشی از حیات سیاسی و اجتماعی‌ام بوده. نقطه عطف بعدی نگارش این کتاب همانطور که اشاره کردم ارائه درس «اعراب و اسرائیل» در سال ۱۳۷۲ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بود. و سرانجام می‌رسیم به مرحله

جدی نگارش آن که از سال ۱۳۸۳ شروع شد. از سال ۱۳۷۲ به بعد هر ترم که این درس را ارائه می‌دادم فرصتی پیش می‌آمد تا بر یادداشت‌ها و مطالبی که جمع‌آوری می‌کردم اندک اندک اضافه شود. اما کار اصلی از سال ۱۳۸۳ شروع شد. برخلاف تصور اولیه‌ام که فکر می‌کردم یک یا حداکثر دو سال بیشتر تدوین کتاب به طول نخواهد انجامید، در پایان سال ۱۳۸۸، یعنی بعد از ۵ سال تازه رسیده بودم به ویرانی بیت المقدس پایتخت سرزمین یهودی‌ها در سال ۱۳۵ میلادی و آوارگی یا آمدن یهودی‌ها به اروپا. این ۵ سال کار مشتمل بر ۸ فصل می‌شد. از آنجا که اعتقاد عمیق و جدی دارم که برای فهم صحیح اسباب و علل به وجود آمدن اسرائیل چاره‌ای نداریم الا اینکه به تاریخ کهن ۴۰۰۰ ساله یهودیت بازگردیم، لذا کار را با حضرت ابراهیم (ع) و مهاجرت وی از منطقه «اور» در جنوب عراق امروزی به بیت المقدس در ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد آغاز کردم. در هفت فصل بعدی رسیدیم به اضمحلال کشور یهود به دست امپراطوری روم در ۱۳۵ میلادی. احساس کردم که اگرچه بخش‌های مهم تاریخ یهودیت یعنی تاریخ یهودیت در اروپا از سال ۱۳۵ به بعد، بالاخص در اروپای قرن نوزدهم که به تعبیری مادر به وجود آمدن کشور یهود در اواسط قرن بیستم می‌شود، هنوز در کتاب ظاهر نشده‌اند، اما تا به همان مقطع ۱۳۵ میلادی که نقطه عطف مهمی در تاریخ یهودیت می‌باشد، خود می‌تواند به عنوان مجلد نخست کتاب چاپ شود. به همین خاطر تصمیم گرفتم تا جلد اول «تولد اسرائیل» را که از ظهور حضرت ابراهیم (ع) در ۲۰۰۰ قبل از میلاد و آمدن یهودی‌ها به فلسطین است تا از بین رفتن کشورشان در ۱۳۵ میلادی توسط امپراطوری روم و آمدن یهودی‌ها به اروپا را در قالب جلد اول منتشر نمایم. درعین حال با این دغدغه و وسوسه روبه‌رو شدم که من شاکله و استخوان‌بندی مطالبی را که دربرگیرنده ۱۸۰۰ سال بعدی یعنی از ۱۳۵ تا زمان تشکیل کشور یهود می‌باشد را هم گردآوری کرده‌ام. یک جورهایی دریغم آمد که به آنها اشاره نکنم. چرا که احساس می‌کردم تشریح تاریخ یهودیت از زمان حضرت ابراهیم تا ۱۳۵، ضمن آنکه مهم و روشن‌گر خیلی از زوایای پیچیده ۴۰۰۰ سال تاریخ یهودیت می‌باشد، مع‌ذالک و درعین حال مخاطب را با انبوهی از پرسش‌های بنیادی درخصوص اسباب و علل به وجود آمدن کشور

اسرائیل به حال خود رها می‌کند. بنابراین تصمیم گرفتم که آن مطالب را خیلی فشرده و در حد یک مقدمه کوتاه حداکثر مشتمل بر چند صفحه ذکر کنم. اما آن چند صفحه در عمل شد قریب به ۲۰۰ صفحه و نگارش آن بیش از دو سال به طول انجامید. خودم هم اذعان دارم که نوشتن مقدمه‌ای مشتمل بر ۲۰۰ صفحه هم غیرمتعارف است، هم عجیب و غریب. بنابراین سعی کردم تا آن ۲۰۰ صفحه را کوتاه و خلاصه کنم؛ اما نشد و نتوانستم.

واقعیت آن است که حجم معلومات و دانش ما ایرانی‌ها نسبت به یهود و یهودیت به شدت اندک است. در عوض معلومات و رویکرد تاریخی، دانش ما از اسباب و علل به وجود آمدن کشور یهود خلاصه می‌شود در مثنی تئوری‌ها توطئه و فرضیه‌های دایی جان ناپلئونی. اگر عمری باقی بود و حضرت حق اراده کردند، تلاش خواهم کرد تا آن مقدمه ۱۷۰ صفحه‌ای را که در حقیقت تاریخ چهارهزار ساله یهودیت می‌باشد و ما تا ۱۳۵ میلادی آن را گفته‌ایم، به صورت جلد دوم این کتاب منتشر نمایم. یعنی جلد دوم به حول و قوه الهی خواهد شد از ۱۳۵ میلادی تا (۱۳۲۷) ۱۹۴۸ که کشور اسرائیل به وجود می‌آید. می‌ماند تشکر از سرکار خانم استلا اورشان؛ واقعاً زحمتی را که در تایپ این کتاب ظرف ۷ سال گذشته کشیدند را با هیچ کلمات و عباراتی نمی‌توان توصیف نمود.

بهمن ماه یک‌هزار سیصدونود